

توصیف و تحلیل ساخت امری در زبان فارسی معاصر از منظر شناختی^۱

محمد دبیرمقدم^۲

دانشگاه علامه طباطبائی

مریم شوقی^۳

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۸

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد شناختی و به‌روش پیکره‌ای، به بررسی توصیفی-تحلیلی ساخت امری در زبان فارسی می‌پردازد؛ به عبارت دقیق‌تر، در پی یافتن دسته‌بندی انواع ساخت امری، بسامد رخداد و الگوی مورد استفاده افعال پرکاربرد، بررسی ساخت امری منفی و نیز کاربرد گفتمانی-تعاملی این ساخت در زبان فارسی است. برای گردآوری داده‌ها ابتدا مطالعه کتابخانه‌ای صورت گرفت که در آن ساخت‌های امری از رمان *دایی جان ناپلئون* استخراج شد. پس از آن به «پیکره زبان فارسی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مراجعه شد و متن‌های تات‌نشین‌های بلوک زهرا، *قصه‌های به‌رنگ*، *روزنامه همشهری-آموزشی ۱-۱۳۸۲* و *روزنامه همشهری-آموزشی ۲-۱۳۸۲* مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌های این پژوهش با بهره‌گیری از مفاهیم وضع‌شده در دستور شناختی، مانند طرح‌واره و پیش‌نمونه، پاسخ داده شد. براساس این مفاهیم، ساخت امری فارسی را می‌توان به‌صورت ساده، شرطی، مجهول، حذفی، دعا و نفرین، و نقش‌نمای گفتمانی دسته‌بندی کرد. افعال گفتن، گذاشتن (اجازه‌دادن)، دیدن، رفتن، آمدن و دادن بیشترین بسامد را در ساخت امری زبان فارسی داشتند. در بررسی ساخت امری منفی مشاهده شد غالباً از افعال ذهنی استفاده می‌شود. همچنین برخی از ساخت‌های امری دارای کارکردی غیرامری بودند.

کلیدواژه‌ها: ساخت امری، نحو زبان فارسی، وجه التزامی، زبان‌شناسی شناختی، طرح‌واره امری.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان است.

۱- مقدمه

در بسیاری از زبان‌ها جملات برحسب مشخصات ساخت‌واژی یا نحوی به انواع کوچکتری طبقه‌بندی می‌شوند. براساس تحقیق رده‌شناسی برروی چهل زبان که توسط سیداک^۱ و زوئیکی^۲ (۱۹۸۵) انجام شده است، در زبان‌های مختلف جمله‌ها را در دسته‌های اخباری، پرسشی و امری تقسیم‌بندی می‌کنند.

برخی از پژوهشگران ساخت امری را از نظر صوری مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این دست پژوهش‌ها برای تشخیص ساخت امری به مشخصه‌های صوری که توسط ویژگی‌های ساخت‌واژی یا نحوی نشان داده می‌شوند، تکیه می‌شود. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به چامسکی^۳ (۱۹۵۵: ۶۹۴-۶۹۱)، لیز^۴ و کلیما^۵ (۱۹۶۳: ۲۲)، لیز (۱۹۶۴) و کتز^۶ و پستال^۷ (۱۹۶۴: ۲۵۵-۲۵۳) اشاره کرد که همگی بر این موضوع تأکید دارند که تحلیل نحوی نشان می‌دهد در ساخت امری فاعل غایب است. این مسئله نیز عنوان می‌شود در این ساخت فاعل در سطح انتزاعی، تو/ شما است که تا حدی به صورت اختیاری حذف شده است. وجود این فاعل را می‌توان در پدیده نحوی انعکاس‌پذیری^۸ مشاهده کرد.

بررسی‌های نقش‌گرایانه نشان‌دهنده این است که بیشترین برداشتِ نقشی از ساخت امری به صورت کارگفتِ ترغیبی یا کنش‌هدایتی در مکالمه است. دیدگاه نقشی صرف، امری‌ها را نه تنها به صورت کنشی^۹ بلکه به صورت پرسشی در کارگفت غیرمستقیم یا بیان ناقص^{۱۰}، طبقه‌بندی می‌کند.

تنها پژوهش موجود در حیطه شناختی، «تحلیل ساخت امری در زبان انگلیسی و با ارجاع به زبان ژاپنی» است که توسط تاکاهاشی^{۱۱} (۲۰۱۲) انجام شده است. مضمون محوری این مدل مفاهیم طرح‌واره و پیش‌نمونه، برگرفته از دستور شناختی است. طرح‌واره انتزاعی است که با همه نمونه‌های موجود در یک طبقه سازگاری دارد و پیش‌نمونه بازنمود مفهوم اصلی یک طبقه است. پیش‌نمونه نیز دربردارنده گوینده به‌عنوان عامل و مخاطب فردی شده^{۱۲} در رویداد اول است که در آن گوینده-عامل درجه بالایی از نیرو را به مخاطب اعمال می‌کند. هم طرح‌واره و

1. J. M. Sadock

2. A. M. Zwicky

3. N. Chomsky

4. R. B. Lees

5. E. S. Klima

6. J. J. Katz

7. M. P. Postal

8. reflexivisation

9. performative

10. elliptic utterance

11. H. Takahashi

12. individuated addressee

هم پیش‌نمونه معیار فاعل دوم شخص و اعمال نیرو را دارند. اعمال نیرو، عنصری اساسی در تعیین پیش‌نمونگی، نه به‌عنوان یک مفهوم یکدست و یکپارچه بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها از قبیل میل^۱، قابلیت^۲، قدرت^۳، هزینه^۴، سود^۵ و التزام^۶ در نظر گرفته می‌شود. هر کدام از این شش مؤلفه براساس پژوهش پنتر^۷ و تورنبرگ^۸ (۱۹۹۸) هستند، که با یک مقیاس عددی تعیین شده‌اند. این مؤلفه‌ها در واقع نشان‌دهنده قصد گوینده و ادراک او از وضعیت بافتی هستند که در آن ساخت امری مورد نظر بیان شده است.

پژوهش‌های چندانی در باب ساخت امری در زبان فارسی صورت نگرفته است. آنچه در کتاب‌های دستور سنتی به‌عنوان ساخت امری به آن ارجاع داده می‌شود، غالباً از منظر صورت‌گرایی است. در چنین دستورهایی به‌صورت شایسته و مفصل به این ساخت پرداخته نشده است و به توضیحات جزئی‌صوری بسنده کرده‌اند و از توجه به نقش معنی در این ساخت‌ها غافل بوده‌اند. در این آثار می‌توان بررسی ساخت امری را ذیل مطالعه انواع جمله یا وجوه افعال یافت. برای نمونه، دبیرسیاکی (۱۳۴۵) در بخش فعل، به بحث امر می‌پردازد. از نظر او امر، فرمان و حکم یا خواهش انجام‌دادن عملی، یا واداشتن کسی به‌کردن کاری یا طلب‌کردن چیزی از کسی است در زمان حال، اما وقوع آن معمولاً پس از ادای جمله یعنی در آینده است، آینده متصل به زمان حال.

فعل امر « ماده (ریشه) مضارع » فعل اصلی است و غالباً حرف «ب» آغاز آن می‌پیوندد و صیغه اول شخص نیز ندارد. از این جهت صیغه‌های امر منحصر است به امر حاضر و غایب. در مثال از مصدر «رفتن»، ماده مضارع «رو» است و «رو» یا «برود» و «روید» یا «بروید» و «روند» یا «بروند» به‌ترتیب صیغه‌های حاضر و غایب آن هستند، مفرد و جمع. در ادامه می‌گوید گاه در آغاز دوم شخص مفرد امر «می» یا «همی» قرار می‌گیرد برای استمرار و تأکید، مانند:

رو، می‌رو، همی‌رو.

باش، می‌باش، همی‌باش.

دبیرسیاکی (همان) همچنین به موضوع امر منفی، نهی اشاره می‌کند و آن را فرمان و حکم یا خواهش توقف و بازایستادن از عمل یا پرهیزداشتن از ارتکاب آن می‌داند. صیغه‌های نهی با

-
1. desire
 2. capability
 3. power
 4. cost
 5. benefit
 6. obligation
 7. K. Panther
 8. L. L. Thornburg

افزودن حرف «م» به اول صیغه‌های امر، پس از برداشتن حرف «ب» از آغاز صیغه‌ها به‌دست می‌آید؛ در مثال از مصدر «رفتن»: مرو، مرو، مروید، مروند صیغه‌های فعل نهي هستند. ساخت مذکور در کتاب‌های دست‌نویسان دیگر مانند دایمی‌جواد (۱۳۴۴)، بصری (۱۳۴۶)، خیامپور (۱۳۴۷)، باطنی (۱۳۴۸)، خانلری (۱۳۵۱)، امین مدنی (۱۳۶۳)، شریعت (۱۳۶۴)، اسلامی (۱۳۶۷)، ارزنگ (۱۳۷۴)، ماهوتیان (۱۳۷۸)، گیوی و انوری (۱۳۸۳)، فرشیدورد (۱۳۸۸) و افراسی (۱۳۸۷) نیز مرور و بررسی شد. در برخی از این کتاب‌ها فقط اشاره کوتاهی به ساخت مذکور شده و فاقد نمونه است، اما برخی دیگر به‌طور مفصل و با مثال‌های خوبی این ساخت را شرح داده‌اند. اما نکته مهم این است که در هیچ‌یک از این آثار دسته‌بندی مدونی از ساخت امری ارائه نشده است.

به‌طور کلی در بررسی ساخت امری در زبان فارسی، به‌نظر می‌رسد که تدوین‌های صرفاً ساختاری و صورت‌گرایانه قدرت تبیینی بالایی ندارند و اساساً چنین مطالعاتی تلاش می‌کنند که داده‌های فارسی را صرفاً با چارچوب زایشی - صورت‌گرایانه تطبیق دهند، درحالی‌که رویکرد شناختی از آنجا که به پردازش‌های واقعی، ذهنی و شناختی می‌پردازد، نسبت به سایر چارچوب‌ها که صرفاً بر مبنای اصول و قواعد صوری هستند، قدرت تبیینی بالاتری دارد. پژوهش حاضر در قالب رویکرد شناختی و به‌طور دقیق‌تر، دستور شناختی که پایه‌گذار آن رونالد لنگاکر^۱ (۱۹۸۷) است، به بررسی این موضوع در زبان فارسی می‌پردازد.

۲- چارچوب نظری

در بحث حاضر مفاهیم پایه در زبان‌شناسی شناختی مانند پیش‌نمونه^۲ و طرح‌واره^۳ که در این بررسی اهمیت دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲-۱ مفهوم پیش‌نمونه

رویکرد کلاسیک به طبقه‌بندی‌ها عموماً به ارسطو، فیلسوف یونانی، نسبت داده می‌شود. برخی کمبودها در این رویکرد موجب پیدایش نظریه پیش‌نمونه شده است. منشأ نظریه پیش‌نمونه را می‌توان نقد ویتگنشتاین^۴ از نظریه‌های کلاسیک طبقه‌بندی در کتاب مطالعات فلسفی^۵ یافت. نارسایی رویکرد کلاسیک به طبقه‌بندی توسط روان‌شناسان شناختی و زبان‌شناسان نیز نشان داده شده است (رُش^۶، ۱۹۷۳، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸؛ اسمیت^۷ و مدین^۸، ۱۹۸۱؛ لیکاف^۹ و جانسون^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ منگاسر-وال^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ تایلر^{۱۲}، ۲۰۰۵). این پژوهشگران معتقدند که پیش‌نمونه‌ها، یعنی بهترین عضو یک طبقه

1. R. Langacker

2. Prototype

3. Schema

4. L. Wittgenstein

5. Philosophical Investigations

6. E. Rosch

7. E. E. Smith

8. D. L. Medin

9. G. Lakoff

10. M. Johnson

11. M. Mangasser-Wahl

12. J. R. Taylor

به‌وسیلهٔ تعداد پیشینهٔ مؤلفه‌ها تعریف می‌شود. در نتیجه، بین اعضای اصلی و حاشیه‌ای یک طبقه باید تمایز وجود داشته باشد. طبق تعریف تایلر (۱۹۹۵: ۵۹)، پیش‌نمونه بازنمود بهترین اعضای یک طبقهٔ خاص است.

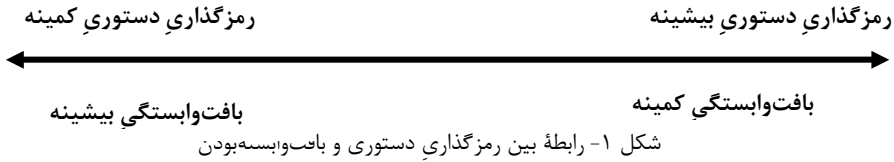
۲-۱- رویکرد پیش‌نمونه‌ای به جمله‌ها

آنچه در نظریه پیش‌نمونه‌ای مطرح می‌شود این است که اعضای یک طبقه در طول یک محور توزیع شده‌اند. اعضای از یک طبقه که با بیشترین تعداد مؤلفه تعریف شده‌اند در یک سمت این محور، و در سمت دیگر آن اعضای هستند که یک یا تعداد محدودی از مؤلفه‌های مشخص‌گر آن طبقه را نشان می‌دهند. این امکان وجود دارد که اعضای حاشیه‌ای یک طبقه به‌آسانی عضویت در آن طبقه را از دست بدهند و به طبقهٔ متضاد بپیوندند. اعضای یک طبقه همگن نیستند، بلکه در واقع، آنها طبقهٔ مذکور را به‌صورتِ مدرج نشان می‌دهند. طبق آنچه که پیش‌تر گفته شد، طبقهٔ جمله‌ها نیز ساخت پیش‌نمونی از خود نشان می‌دهند. در دهه‌های اخیر بسیاری از زبان‌شناسان (آلتمن^۱، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳؛ هارنیش^۲، ۱۹۹۴؛ کنیگ^۳ و سیموند^۴، ۲۰۰۷؛ لیدک^۵، ۱۹۹۸؛ سیداک و زوئیکی، ۱۹۸۵؛ شلوبینسکی^۶، ۱۹۹۲) به‌وضوح یا تلویحاً جمله را در بردارندهٔ اطلاعات سه‌گانهٔ صرفی-نحوی^۷، صرفی-نحوی، معنایی و کاربردی می‌دانند. با بهره‌گیری از نظریهٔ پیش‌نمونه برای طبقه‌بندی، می‌توان نشان داد که این سه مؤلفه در جمله‌ها با هم درآمیخته است. نظریهٔ پیش‌نمونه درجات مختلف عضویت در طبقهٔ جمله را پیش‌بینی می‌کند. این موضوع جالب است که افراد در مورد جملهٔ «خوب» شم زبانی دارند. وقتی از افراد بزرگسال درخواست می‌شود که بدون برنامه‌ریزی قبلی یک جملهٔ نمونه تولید کنند، معمولاً این جملهٔ تولیدشده از نوع خبری و مثبت است. شم افراد غیرمتخصص در مطالعات رده‌شناسی منعکس شده است: چنین تحقیقاتی معمولاً جملهٔ خبری مثبت را به‌عنوان نمونهٔ بارز جمله به‌حساب می‌آورند.

گذشته از واقعیات کلی یا قوانین طبیعی که جمله‌ها بیان می‌کنند، تعبیر جمله‌ها در کاربرد ارتباطی واقعی، حداقل تا حدودی به بافت موقعیتی آنها بستگی دارد. براساس آنچه بوهلر^۸ (۱۹۳۴: ۳۵۶) توصیف می‌کند، یک جملهٔ ایده‌آل به بیشترین میزان، مستقل از بافتی است که

-
1. H. Altmann
 2. R. M. Harnish
 3. E. König
 4. P. Siemund
 5. F. Liedtke
 6. P. Schlobinski
 7. morphosyntactic
 8. K. Bühler

در آن استفاده می‌شود. در شکل زیر رابطه بین رمزگذاری دستوری و بافت‌وابسته بودن نشان داده شده است.



جدا از اینکه جمله پیش‌نمونه‌ای باید به‌طور بیشینه‌ای بافت‌مستقل باشد، به‌نظر می‌رسد چنین جمله‌ای باید برای اجرای کارگفت‌های اولیه^۱ مناسب باشد. کارگفت‌ها شامل یک محتوای گزاره‌ای و یک نیروی غیربیانی هستند و جمله‌های پیش‌نمونه‌ای هر دو کارکرد معنایی-کاربردی را رمزگذاری می‌کنند.

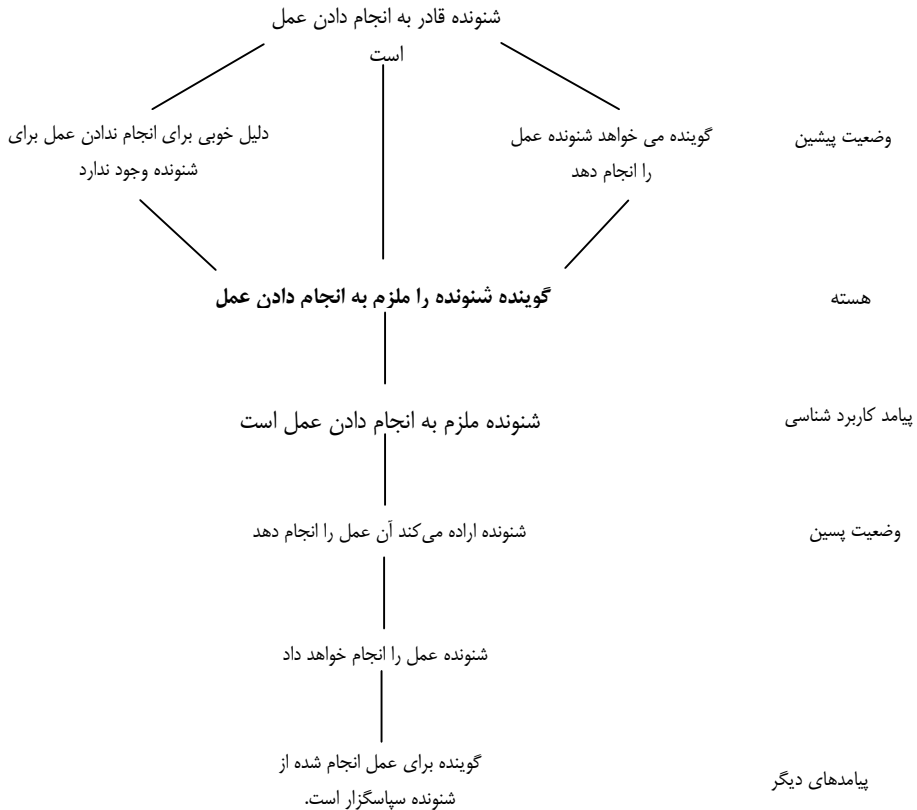
همگام با پیشرفت‌های موجود در معنی‌شناسی شناختی و هوش مصنوعی، فرض می‌کنیم که معنی، که شامل معانی غیربیانی نیز می‌شود، به‌روشنی برحسب قالب‌ها، صحنه‌ها^۲، مدل‌های شناختی، طرح‌واره‌ها، سناریوها^۳ و غیره، قابل توضیح است. یک سناریوی کنشی می‌تواند یک قالب شناختی محسوب شود که شامل چهار مولفه اصلی است. این مؤلفه‌ها وضعیت پیشین^۴، هسته^۵، پیامد کاربردشناسی^۶ و وضعیت پسین^۷ هستند (تورنبرگ و پنتر، ۱۹۹۷؛ پنتر و تورنبرگ، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷). وضعیت پیشین، شرایط و انگیزه‌های پس‌زمینه‌ای برای تحقیق یک کارگفت هستند. هسته، دربردارنده نکته غیربیانی به‌همراه پیامد کاربردی آنی است. وضعیت پسین نیز به پیامد غیرآنی کارگفت برمی‌گردد که شامل شرایطی است که تحت آن یک کارگفت عملی می‌شود (وندرویکن^۹، ۱۹۹۰).

۲-۱-۲ ویژگی‌های پیش‌نمونه‌ای جملات امری

به‌عنوان عضوی از طبقه جمله، جمله‌های امری نسبت به جمله‌های خبری ویژگی پیش‌نمونه‌ای کمتری دارند. با وجود این، به‌عنوان یک نوع جمله، خود نیز دارای ساخت پیش‌نمونه‌ای هستند. بارزترین تفاوت آنها با جمله‌های خبری این است که جمله‌های امری فاقد فاعل آشکار هستند.

-
1. elementary speech act
 2. frame
 3. scene
 4. senario
 5. before
 6. core
 7. result
 8. after
 9. D. Vanderveken

به صورت مرسوم این گونه فرض می‌شود که فاعل یک ساخت امری یک مخاطب مستتر است. یعنی یک فرد یا گروهی از افراد خاص. نمودار زیر سناریوی جمله امری با کارکرد ترغیبی را نشان می‌دهد.



شکل ۲- سناریوی جمله امری با کارکرد ترغیبی

اعمال نیرو، عنصری اساسی در پیش‌نمونی ساخت امری

سیستم طرح‌واره‌ای پویایی نیرو^۱ اولین بار توسط تالمی^۲ به‌عنوان طبقه معنایی بنیادین در حوزه نیروی فیزیکی تعریف شد و به‌طور خاص در زبان‌شناسی به‌صورت مفهوم سببیت^۳ عمومیت یافت (تالمی ۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰: ۴۰۹-۷۰). تبدیل‌های استعاری متعاقباً

1. force dynamics
2. L. Talmy
3. causative

تصورات از پویایی نیرو را به حوزه‌های روابط روانی درونی و تعاملات اجتماعی تعمیم می‌دهند؛ مثلاً سیستم وجهیت در انگلیسی برحسب پویایی نیرو تحلیل می‌شود پیش از اینکه نشان داده شود که چگونه پویایی نیرو و تاحدی گفتمان و استدلال را می‌سازد.

پویایی نیرو در نحو

تحلیل‌های لنگر (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۱: ۲۸۲) بر روی روابط دستوری، ارتباط پویایی نیرو و نحو را تصدیق می‌کند. عملگر ساخت امری متشکل از نیروی دستوری^۱ و ویژگی دیگری است که وجهیت تحقق‌نیافته را رمزگذاری می‌کند. وجه التزامی و مصدری عملگری دارند که محتوای آن در یک زیرمجموعه مرتبط با عملگر امری است. با بیان این نکته می‌توان گفت در بسیاری از زبان‌ها بین این سه ساخت رابطه نزدیکی وجود دارد.

اعمال نیرو در اینجا همان تأثیر روانی- اجتماعی است که توسط گوینده اعمال می‌شود تا مخاطب آنچه گفته شده را دریابد یا شرایط موجود را با آن گفته متناسب سازد. اعمال نیرو خود دارای شش مؤلفه تعیین‌کننده است: میل، قابلیت، قدرت، هزینه، سود و التزام. به‌طور کلی پیش‌نمونه ساخت امری عبارتی است که در آن یک مسبب- عامل با اعمال درجه بالایی از نیرو به مخاطب موجب می‌شود او عملی را در بافت خاصی انجام دهد. با بهره‌گیری از مفهوم پیش‌نمونه می‌توان انواع مختلفی از ساخت‌های امری را در یک پیوستار پیش‌نمونه در نظر گرفت.

در پژوهش حاضر، اعمال نیرو که خود دارای شش مؤلفه ذکر شده است، نقش اصلی را در تعیین پیش‌نمونه دارد. اعمال نیرو اساساً گوینده‌بنیاد است. به‌عبارت دیگر ارزش هر پارامتر منعکس‌کننده قصد گوینده و درک او از وضعیت بافتی است که ساخت امری مورد نظر در آن بیان می‌شود. در این مفهوم، دسترسی به بافتی وسیع برای تعیین مقدار عددی هر مؤلفه لازم است. بدون داشتن این اطلاعات که چه کسانی در حال گفتگو هستند و بدون دانستن موقعیت اجتماعی و گفتمانی که گفتگو در آن روی می‌دهد، تعیین عددی مؤلفه‌ها امکان‌پذیر نیست و در نتیجه میزان اعمال نیرو را نمی‌توان محاسبه کرد. سه مؤلفه میل، سود و التزام دربرگیرنده مقیاسی پنج‌ارزشی هستند، درحالی‌که دو مؤلفه قدرت و هزینه دارای مقیاس سه‌ارزشی هستند. مؤلفه قابلیت برحسب ارزش دوشقی- یعنی یا همه یا هیچ- تحلیل می‌شود. انگیزه نهانی در پس این پیکربندی ترسیم جنبه‌ها یا اجزای مختلف نیروی امری به‌شيوه‌ای ساده اما، به‌لحاظ شناختی، واقعی است. این پیکربندی از طریق محدودکردن هر مؤلفه به ارزش‌های عددی حاصل می‌شود. در ادامه، نحوه ارزش‌گذاری هر مؤلفه توضیح داده خواهد شد:

1. directive force

مؤلفه میل

یک گفته امری این گونه تصدیق می‌شود که میزان مختلفی از تمایل گوینده برای تحقق عمل تعیین شده را بیان می‌کند. این درجات تمایل در قالب پنج مقدار عددی قابل تفسیر است: $[+۲]$ ، $[+۱]$ ، $[۰]$ ، $[-۱]$ و $[-۲]$. معمولاً در ساخت‌های امری ارزش عددی مؤلفه میل $[+۲]$ یا $[+۱]$ است. گاهی اوقات هم این مقدار صفر است، یعنی برای گوینده مهم نیست که عمل خواسته شده محقق شود یا نه. مقادیر منفی برای موقعیت‌های غیرحقیقی کاربرد ساخت امری به کار برده می‌شود. مثلاً برای تهدید یا هشدار توسط گوینده، که بیانگر تمایل گوینده برای عدم تحقق یک عمل است، مقدار عددی $[-۲]$ به کار می‌رود. کاربرد طعنه‌آمیز/ تمسخرآمیز ساخت امری نیز دربرگیرنده مقادیر $[۰]$ ~ $[-۱]$ است.

مؤلفه قابلیت

این مؤلفه ناظر به این مطلب است که گوینده فرض می‌کند که مخاطب عمداً قادر به انجام عمل تعیین شده است. قابلیت به دو طریق قابل تحلیل است: یا $[۰]$ یا $[+۱]$. اگر گوینده باور داشته باشد که مخاطب با اختیار خود قادر به انجام کار مورد نظر در یک موقعیت است، مقدار عددی برای مؤلفه قابلیت $[+۱]$ است، اگر نه این مقدار صفر خواهد بود.

مؤلفه قدرت

مؤلفه قدرت به تخمین گوینده نسبت به قدرت یا موقعیت اجتماعی نسبی گوینده و مخاطب مربوط می‌شود. قدرت در قالب سه ارزش عددی قابل تحلیل است: $[-۱]$ ، $[۰]$ و $[+۱]$. وقتی به کار می‌رود که گوینده قدرتمندتر از مخاطب باشد، $[۰]$ نیز هنگامی که تفاوت قدرت چشمگیر بین گوینده و مخاطب وجود ندارد و $[-۱]$ وقتی که گوینده از نظر قدرت کمتر از مخاطب باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اکثر موارد روابط قدرت به طور نسبی ثابت است. با این همه، گویندگان صورت‌های خاصی از بیان ترغیبی را به کار می‌برند تا بر روابط قدرت تأکید یا از آن تأکیدزایی کنند. در چنین مواردی قدرت دینامیکی و تعاملی می‌شود.

مؤلفه هزینه

در تحلیل حاضر هزینه و سود مجزا تحلیل می‌شوند زیرا مقیاس هزینه-سود به تنهایی برای تعیین میزان دقت نیروی امری ناکافی است. هزینه با درجه بار (فیزیکی، روانی یا هردوی آنها) که به مخاطب تحمیل می‌شود، مرتبط است که به صورت مقدار عددی سه‌ارزشی $[۰]$ ، $[+۱]$ و $[+۲]$ قابل بیان است. $[+۲]$ برای تحمیل هزینه‌های زیاد (من ورشکسته شده‌ام، به من پول قرض بده)، $[+۱]$ برای هزینه پایین (همین‌طور ادامه بده) و $[۰]$ در نبود هزینه مورد استفاده قرار می‌گیرد (لذت ببر).

این نکته قابل ذکر است که هزینه در ساخت امری که شامل درخواست برای انجام عملی است، بیشتر از هزینه برای درخواست اطلاعات است. با وجود این، برخی موارد درخواست اطلاعات که در آن اطلاعات مهم، شخصی یا محرمانه است، هزینه بالایی دارد.

مؤلفه سود

سود، مفهومی پیچیده است. این مؤلفه ناظر به این مطلب است که به چه میزان گوینده فرض می‌کند که عمل مورد نظر سودمند یا غیرسودمند است. چیزی که این مؤلفه را پیچیده می‌سازد این واقعیت است که برخی ساخت‌های امری موقعیت‌هایی را بازنمایی می‌کنند که عمدتاً به سود گوینده است، درحالی‌که در برخی ساخت‌های دیگر امری به‌طور خاص سود به نفع مخاطب است (براون^۱ و لوینسون^۲، ۱۹۸۷: ۷۲). به‌همین دلیل، سود برای گوینده و مخاطب به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد. با وجود این، مؤلفه سود به‌صورت یک مقیاس ترکیبی برای سود گوینده و مخاطب در نظر گرفته می‌شود. ابتدا سود گوینده به‌صورت مقیاس پنج‌ارزشی [-۲] تا [+۲] تحلیل می‌شود. مقادیر مثبت برای جملاتی مانند: [+۲] به من پول قرض بده است که تحقق آن به نفع گوینده است.

[+۱] آدرست را به من بده (برای سرویس مشتریان)

مقادیر صفر و منفی برای کاربردهای غیرواقعی ساخت‌های امری به‌کار می‌روند.

[۰] امری‌های فرضی

[-۲] و [-۱] هشدارها، تهدیدها، جرأت (امری‌هایی با مضمون منفی)

مواردی که سود دوطرفه است، به‌عنوان سود گوینده در نظر گرفته می‌شود.

سود مخاطب به سه صورت [۰]، [-۲] و [-۱] قابل تحلیل است.

مؤلفه التزام

مؤلفه التزام بستگی به میزانی دارد که گوینده فرض می‌کند مخاطب ملزم به پیروی است. التزام به‌صورت التزام قانونی، اخلاقی یا استخدای است (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۷۷)، که این التزام به‌صورت دوطرفه توسط گوینده و مخاطب پیش از مکالمه یا در حین آن توافق شده است. مؤلفه التزام جنبه اختیاری بودن را نیز دربرمی‌گیرد زیرا هردو نسبی هستند.

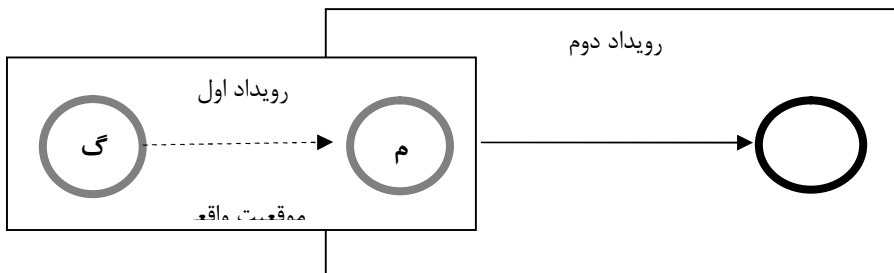
[+۲] درجه بالای التزام/ درجه پایین اختیاری بودن: مقاله خود را تا دوشنبه تحویل دهید.

[-۲] تهدید/ هشدار مؤکد: جلو بیا ببین چه بلایی سرت میارم

[-۱] کاربرد طعنه‌آمیز ساخت امری

مفهوم طرح‌واره

طرح‌واره یکی از مفاهیم بارور در دستور شناختی است. به‌طور خاص دستور شناختی دو پدیده را به‌وسیله این مکانیسم شناختی به‌کار می‌برد که یکی در معنای محض خود زبان‌شناختی است (طبقه‌بندی‌ها و تعمیم‌ها در ذهن سخنگو که قسمتی از زبان را تشکیل می‌دهند) و دیگری مربوط به پدیده‌های فرازبان‌شناختی است مانند طبقه‌بندی‌هایی که زبان‌شناسان برای صحبت کردن در مورد زبان یا زبان‌ها به‌کار می‌برند. به‌طور خلاصه، طرح‌واره مفهومی فراگیر است که خطوط کلی مشترک چندین یا بسیاری از مفاهیم خاص را مشخص می‌کند. مفاهیم خاص شرح و بسط^۱ یا نمونه^۲ یا زیربخش^۳ یک طرح‌واره نامیده می‌شوند. کاربرد این اصطلاح توسط لیکاف (۱۹۸۰) و لنگر (۱۹۸۷) در زبان‌شناسی شناختی تأثیرگذار بوده است. در پژوهش حاضر، طرح‌واره ساخت امری را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم کرد:



گ: گوینده / م: مخاطب

(درجات مختلف) اعمال نیروی گوینده به مخاطب
کنش مخاطب (رمزگذاری شده توسط فعل امری)

شکل ۳- طرح‌واره ساخت امری

طرح‌واره حاضر شامل دو رویداد است. در رویداد اول گوینده درجه‌ای از اعمال نیرو (با فلش خط‌چین) را به مخاطب اعمال می‌کند. این رویداد به‌صورت رویداد پیشین و مسبب وقوع رویداد دوم مفهوم‌سازی می‌شود. در رویداد دوم مخاطب در قالب فردی که عملی را انجام می‌دهد، مفهوم‌سازی می‌شود (با فلش کامل نشان داده شده است). این دو رویداد خرد، برای ساخت یک زنجیره کنشی با یکدیگر تلفیق می‌شوند. گوینده و مخاطب در قالب دایره‌های کمرنگ کوچک ترسیم شده‌اند تا نشان دهند که این موجودیت‌ها به‌صورت معمولی رمزگذاری نشده‌اند، با وجود اینکه در ذهن گوینده وجود دارند. فرض مشابهی نیز برای فلش خط‌چین

1. elaboration
2. instantiation
3. subcase

وجود دارد. این پیکربندی طرح‌واره برای تمام کاربردهای ساخت امری از نوع استاندارد تا نوع غیراستاندارد قابل استفاده است.

۳- روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای است، برای انجام آن ابتدا منابع موجود در دستورنویسی فارسی جمع‌آوری شد. در طول مطالعه سعی بر این بود که آثار معتبر و مطرح دستورنویسان سنتی گردآوری شود. این پژوهش براساس ۱۱۰۰ نمونه ساخت امری که از سه منبع جمع‌آوری شده، انجام گرفته است. نخست رمان اجتماعی *دایی جان ناپلئون*، دوم پایگاه دادگان زبان فارسی و سوم شم زبانی نگارندگان. از میان انبوه متون موجود در پیکره زبانی پایگاه دادگان چهار متن انتخاب شد. این متون *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*، *قصه‌های بهرنگ*، *روزنامه همشهری* - آموزشی ۱- ۱۳۸۲ و *روزنامه همشهری* - آموزشی ۲- ۱۳۸۲ هستند. در انتخاب این متون سعی بر این بود که از متن رمان اجتماعی، متن داستان‌های کودکانه با مضمون آموزشی و متون آموزشی روزنامه استفاده شود تا در حد امکان داده‌ها متنوع باشند. معیار اولیه انتخاب برای استخراج داده‌ها این بوده است که حتی‌الامکان از آثاری که بسامد ساخت امری در آنها بیشتر است، استفاده شود مانند رمان اجتماعی با محوریت روابط بالادستی - پایین دستی، مجموعه داستانی برای کودکان یا متون آموزشی که در آنها ساخت امری رایج است. استخراج داده‌ها به این گونه است که ساخت مورد نظر به صورت جمله‌ای کامل و نه فعل به تنهایی، ثبت شده است تا از این طریق به بافت مورد نظر در آن جمله نیز دسترسی داشته باشیم. در استخراج داده‌ها از پایگاه دادگان فعل مورد نظر در قالب امری جستجو شد و برای هر کدام علاوه بر بسامد رخداد در متن مورد نظر، جملات شاهد نیز ارائه شده است.

۴- تحلیل داده‌ها

با توجه به داده‌های موجود در پیکره این پژوهش، ساخت امری در زبان فارسی را می‌توان از چند جهت بررسی کرد:

۱- از نظر نوع:

۱-۱- پیش‌نمونه‌ای: براساس مفهوم مورد استفاده در پژوهش حاضر، در این دسته از ساخت‌های امری گوینده درجه بالایی از نیرو را در ساخت امری رمزگذاری و مخاطب را به انجام کنش مورد نظر خود ملزم می‌کند.

- بگو بابام جان. (دایی جان ناپلئون)
- دردت را بگو. (تات‌نشین‌های بلوک زهرا)
- به خانم مدیر بگو که چرا روی زمین نشسته بودی؟ (همشهری-آموزشی ۲-۱۳۸۲)

- بگذار چیزی از تو بخواهم که برای من از هر سه اینها قیمتی تر باشد و برای تو ارزانتر. (قصه‌های بهرنگ)

۱-۲- مجهول: منظور از ساخت امری مجهول این است که در این دسته از ساخت‌های امری یا کنشگر مشخصی وجود ندارد یا مصداق جمعی برای کنشگر وجود دارد یا کنشگر هرکسی (مبهم) می‌تواند باشد.

- سکوت! سکوت محض! نفس کشیدن ممنوع! (دایی جان ناپلئون)
- هیچ‌کس حق ندارد این محل را ترک کند! (دایی جان ناپلئون)
- اشخاص نباید خودشان عدالت را اجرا کنند! (دایی جان ناپلئون)

۱-۳- شرطی: ساخت‌های امری شرطی به دو صورت در پیکره مشاهده شدند، دسته اول ساخت‌هایی هستند که ادات شرط در آنها آشکار است و دسته دیگر که بسامد کمتری در کل پیکره دارند، ساخت‌هایی هستند که ادات شرط در آنها مستتر است.

۱-۳-۱ با نشانه عیان «اگر»

- اگر واقعاً لیاقت این کار را نداری، قبل از تحویل گرفتن پست با کمال صداقت بگو . (دایی جان ناپلئون)

- اگر تا آخر مهلت قیرآت را آوردم، دختر را بده، اگر نیاوردم، بگو گردنم را بزنند. (قصه‌های بهرنگ)

۱-۳-۲ شرطی مستتر (اگر)

- انقلاب رفتی، برای من هم یک کتاب بخر. (شم زبانی نگارندگان)
- او را دیدی، بگو من منتظرش هستم. (شم زبانی نگارندگان)

۱-۴- حذفی:

در پیکره مورد بررسی ساخت‌هایی یافت می‌شود که فعل امری در آنها محذوف است و ویژگی امری بودن از بافت موجود درک می‌شود.

- نایب دست را به طرف مش قاسم دراز کرد: -کلید! (دایی جان ناپلئون)
- آسپیران غیاث‌آبادی، دستبند! (دایی جان ناپلئون)

۱-۵- دعا و نفرین:

بخش قابل توجهی از داده‌ها به صورت دعا و نفرین بود؛ به همین دلیل به عنوان یکی از انواع ساخت امری در نظر گرفته شدند:

- خدا مرگم بده اسدالله! ... (دایی جان ناپلئون)
- خداوندا مرا ببخش . (دایی جان ناپلئون)
- سلامت باشید.. سلامت باشید. (دایی جان ناپلئون)

۱-۶- کارکرد نقش‌نمای گفتمانی:

نخستین بار لباو^۱ و فنشل^۲ (۱۹۷۷: ۱۵۶) با ارجاع به بحث نقش‌نمای گفتمانی، آن را به‌عنوان طبقه‌ای در زبان‌شناسی معرفی کردند. آنها با ارجاع به پژوهش رودا^۳، بررسی well به‌عنوان یک نقش‌نمای گفتمانی، مطرح ساختند و در ادامه به این نتیجه رسیدند که well به‌عنوان یک نقش‌نمای گفتمانی، بیانگر نوعی دانش مشترک بین مشارکان گفتگو است. هنگامی که well مولفه آغازین گفتمان است، ارجاع آن به موضوع ناگفته‌ای است که مورد نظر هر دو طرف گفتگو است. لوینسون نیز در کتاب کاربرشناسی (۱۹۸۳) خود، نقش‌نماهای گفتمانی را طبقه‌ای درخور مطالعه عنوان کرد، اگرچه هیچ نامی برای این طبقه ارائه نکرد. با انتشار کتاب شیففرین^۴ (۱۹۸۷)، به‌طور چشمگیری نشانگرهای گفتمانی به‌عنوان طبقه‌ای در زبان‌شناسی شناخته شدند. در بسیاری از مطالعات اخیر، نشانگر گفتمانی نمونه‌ای از فرآیند دستوری‌شدگی در نظر گرفته می‌شود (آبراهام^۵، ۱۹۹۱؛ برنتون^۶، ۱۹۹۶؛ تروگات^۷، ۱۹۹۵؛ دیوالد^۸، ۱۹۹۹).

والتریت^۹ (۲۰۰۲) در مقاله خود که به ویژگی نقش‌نمای گفتمانی فعل امر *guarda* (به‌معنی دیدن) در زبان ایتالیایی می‌پردازد، این ویژگی را حاصل استفاده بیش از حد از صورت امری این فعل می‌داند. از نظر او، به‌کارگیری برخی از نقش‌نماهای گفتمانی نتیجه انگیزش گوینده است که این انگیزش خود به ساختار گفتمان و تعامل ارتباط دارد. استفاده گوینده از ساخت‌های امری این معنای ضمنی را به‌همراه دارد که آنچه گوینده می‌گوید، بسیار حائز اهمیت است. به‌کارگیری بیش از حد برخی از این ساخت‌های امری در مکالمات روزمره، حتی در مواردی که آنچه گوینده می‌گوید اهمیت چندانی ندارد، موجب شده است که صورت امری کارکرد نقش‌نمای گفتمانی یابد.

با بررسی داده‌های موجود در پیکره، مواردی از ساخت‌های امری مشاهده شدند که دارای صورت امری و کارکردی غیرامری و حتی کلیشه‌ای بودند. در ادامه به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود:

- نگو ساعتش تو دعوا از جیبش افتاده تو خوب. (دایی جان ناپلئون)
- دهه! ما را باش! (دایی جان ناپلئون)
- دیروز در مراسم یک الم شنگه‌ای بپا کرد که بیا و ببین. (شم زبانی نگارندگان)

۲- از نظر صوری

1. W. Labov
 2. D. Fanshel
 3. Rhoda
 4. D. Schiffrin
 5. W. Abraham
 6. L. J. Brinton
 7. E. Traugott
 8. G. Diewald
 9. R. Waltereit

۱-۲- ساخت امری که دارای یک صورت است مانند:

- بیا، بگو، بردار و...

۲-۲- ساخت امری ترکیبی (دو فعل امر متوالی):

۲-۲-۱- دارای یک معنی واحد که هم جهت با هر دو فعل است:

- نگاه کن ببین. (قصه‌های بهرنگ)

۲-۲-۲- فعل اول گفتمانی است و فعل هدف امر، دومین فعل است:

- پس جنابعالی بفرمائید استنطاق کنید. بنده مرخص می‌شوم. (دایی جان

ناپلئون)

- بیا و برای خاطر من گذشت کن! (دایی جان ناپلئون)

- بلندبلند گفت: آهای کچل، بیا برو گورت را از اینجا گم کن!... (قصه‌های

بهرنگ)

- بگیر بنشین. (شم زبانی نگارندگان)

۳- همچنین در پیکره مورد بررسی و نیز در مکالمات روزمره صورت‌های غیرامری

مشاهده می‌شوند که کارکرد امری دارند، مانند:

- از قدیم گفته‌اند سلام مستحب است اما جواب سلام واجب. (دایی جان ناپلئون) ← سلام کن

- میایی یا بیایم؟ (شم زبانی نگارندگان) ← بیا

- نبینم بروی. (شم زبانی نگارندگان) ← برو

- خب، نگفتی آنجا چه خبر بود! (شم زبانی نگارندگان) ← بگو

- نمی‌خواهی چیزی بگویی؟ (شم زبانی نگارندگان) ← بگو

بررسی افعال موجود در ۱۱۰۰ نمونه ساخت‌های امری موجود در پیکره این پژوهش نشان می‌دهد که گفتن، رفتن، گذاشتن (به معنی اجازه دادن)، رفتن، آمدن، دادن و دیدن پربسامدترین افعال در ساخت امری زبان فارسی هستند. این افعال غالباً با الگوی خطابی اول شخص مفرد مورد استفاده قرار می‌گیرند و تفاوت معناداری بین میزان به‌کارگیری این الگو با الگوی خطابی جمع وجود دارد.

همچنین بررسی ساخت‌های امری منفی در پیکره مورد پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی بسامد ساخت امری منفی در مقایسه با نوع مثبت آن کمتر است و غالباً از نوع خاصی از افعال استفاده می‌شود. برای تعیین نوع افعال از مفهوم نظام نوع فرآیند^۱، که بر مبنای شش فرآیند به دسته‌بندی افعال می‌پردازد، بهره گرفته شده است. نظام نوع فرآیند نخستین بار توسط هلیدی^۲ (۱۹۶۱) و در بخش دستور بند در زبان انگلیسی مطرح شد. نام این فرآیندها در

1. process types

2. M. A. K. Halliday

طول زمان تغییر کرد تا به صورت شش نوع فرآیند مادی، رفتاری، ذهنی، بیانی، رابطه‌ای و وجودی عنوان شد (هلیدی، ۱۹۸۵). طبق دسته‌بندی انواع فرآیندها، بررسی داده‌های پژوهش حاکی از این است که در ساخت امری منفی، افعالی به کار گرفته شده است که در دسته فرآیندهای ذهنی قرار می‌گیرند و به‌طور مشخص در بردارنده فرآیندهای شناختی و عاطفی هستند. جدول زیر فرآیند ذهنی در دسته‌بندی انواع فرآیندها را نشان می‌دهد:

جدول ۱- نظام نوع فرآیند (فرآیند ذهنی)

فرآیند نوع	فرآیند نوع	فرآیند نوع	نمونه
اول	دوم	سوم	
ذهنی	شناختی	دانشتن، فکرکردن، فهمیدن، شک‌کردن، حفظ‌کردن	
	آرزویی	تصمیم، آرزو (اشتیاق، خواستن)، ترجیح	
	عاطفی	شادی، ترس، عصبانیت، ...	
	ادراکی	بینایی، شنوایی، چشایی، لامسه، ...	

در ادامه به نمونه‌هایی از ساخت امری منفی اشاره می‌شود:

- اسدالله ... غصه نخور . (دایی جان ناپلئون)
- حالا اینجوری عزا نگیر ! (دایی جان ناپلئون)
- به صداقت او شک نکن! (شم زبانی نگارندگان)

نمونه‌ای از تعیین میزان پیش‌نمونی براساس مؤلفه‌های شش‌گانه اعمال نیرو:

در قسمتی از رمان، دایی جان ناپلئون بیهوش شده است و همسرش مش قاسم (خدمتکار) را به‌دنبال پزشک می‌فرستد:

- مش قاسم دکتر ناصرالحکما را بیاور! (نوع پیش‌نمونه‌ای)

در نمونه حاضر با توجه به بافت شرح‌داده‌شده، برای گوینده (همسر دایی جان) محقق‌شدن عمل خواسته‌شده، اهمیت زیادی دارد. بنابراین مؤلفه میل ارزشی معادل ۲+ دارد. با توجه به اینکه مخاطب (مش قاسم) قادر به انجام عمل خواسته‌شده است، مؤلفه قابلیت ارزشی معادل ۱+ می‌یابد. با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب که در بافت حاضر بیان شده است، مؤلفه قدرت، که ناظر بر جایگاه بالاتر گوینده نسبت به مخاطب است، ارزشی معادل ۱+ دارد. هزینه، مؤلفه‌ای که ناظر بر تحمیل بار فیزیکی یا روانی یا هردو آنها به مخاطب است، مقداری معادل ۲+ می‌یابد. با توجه به گوینده‌بنیادبودن مؤلفه‌ها و با عنایت به بافت جمله حاضر، مؤلفه سود میزانی معادل با ۲+ می‌یابد. آنچه از بافت جمله برمی‌آید گوینده مخاطب را ملزم به انجام عمل خواسته‌شده می‌داند، از این رو میزان مؤلفه التزام ۲+ است. در مجموع، مقدار

عددی حاصل از این شش مؤلفه ۱۰+ است. با توجه به پیوستار عددی میزان پیش‌نمونی ساخت امری که [۰، ۱۰، ۷-] است، از آنجا که مجموع مؤلفه‌های شش‌گانه در ساخت حاضر ۱۰+ است، این ساخت از نوع ساخت امری پیش‌نمونه‌ای به‌شمار می‌آید.

میل	(۲، -۲): ۲+
قابلیت	(۱، ۰): ۱+
قدرت	(۱، -۱): ۱+
هزینه	(۲، ۰): ۲+
سود	(۲، -۲): ۲+
التزام	(۲، -۱): ۲+
مجموع:	۱۰+

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر که با رویکرد شناختی و به‌روش پیکره‌ای به بررسی توصیفی-تحلیلی ساخت امری در زبان فارسی می‌پردازد، ابتدا ساخت‌های امری از *رمان دایی جان ناپلئون* استخراج شد. سپس آثاری چون *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*، *قصه‌های بهرنگ*، *روزنامه همشهری*- آموزشی ۱- ۱۳۸۲ و *روزنامه همشهری*- آموزشی ۲- ۱۳۸۲، از پایگاه دادگان زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. بخشی از داده‌های این پژوهش نیز براساس شم نگارندگان گردآوری شد. در مجموع حدود ۱۱۰۰ ساخت امری مورد بررسی قرار گرفت. سپس این ساخت در کتاب‌های دست‌نویسان فارسی مانند *دایی‌جواد* (۱۳۴۴)، *بصاری* (۱۳۴۶)، *دبیرسیاقلی* (۱۳۴۵)، *خیامپور* (۱۳۴۷)، *باطنی* (۱۳۴۸)، *خانلری* (۱۳۵۱)، *امین مدنی* (۱۳۶۳)، *شریعت* (۱۳۶۴)، *اسلامی* (۱۳۶۷)، *ارژنگ* (۱۳۷۴)، *ماهویتیان* (۱۳۷۸)، *گیوی و انوری* (۱۳۸۳)، *فرشیدورد* (۱۳۸۸)، *افراشی* (۱۳۸۷)، مرور و بررسی شد.

در این پژوهش سعی بر این بود که دسته‌بندی جامعی از ساخت امری در زبان فارسی همراه با تبیین شناختی آن ارائه شود. ازمنظر شناختی، جملات امری را می‌توان به انواع جملات امری پیش‌نمونه‌ای، مجهول، شرطی، حذفی، دعا و نفرین و نقش‌نمای گفتمانی تقسیم کرد. همچنین این بررسی نشان داد گفتن، گذاشتن (اجازه‌دادن)، دیدن، رفتن، آمدن و دادن پربرسامدترین افعال در ساخت امری زبان فارسی هستند و غالباً با الگوی خطابی اول شخص مفرد مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مورد ساخت امری منفی در زبان فارسی می‌توان گفت، این نوع ساخت اغلب با به‌کارگیری افعال ذهنی همراه است. در برخی موارد نیز کاربرد ساخت امری مطابق الگوی صوری نبود یعنی ساخت امری کارکرد نقش‌نمای گفتمانی یافته است. نتایج یادشده از پیکره پژوهشی شامل ۱۱۰۰ نمونه به‌دست آمده است. بی‌تردید نمونه‌های بیشتر می‌تواند نتایج به‌دست‌آمده را تقویت یا تعدیل کند.

منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴). *دستور زبان فارسی امروز*. تهران: نشر قطره.
- احمدی گیوی، حسن. و حسن انوری (۱۳۸۳). (ویرایش ۲) *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی.
- احمدی گیوی، حسن. و حسن انوری (۱۳۸۳). (ویرایش ۲) *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: فاطمی.
- اسلامی، محمدعلی (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی شامل قواعد درست گفتن و درست نوشتن*. اصفهان: مشعل.
- افراشی، آزیتا (۱۳۸۷). *ساخت زبان فارسی*. تهران: سمت.
- امین مدنی، صادق (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی*. تهران: شرکت افست.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان*. تهران: امیرکبیر.
- بصاری، طلعت (۱۳۴۶). *دستور مختصر زبان فارسی*. تهران: طهوری.
- پزشکزاد، ایرج (۱۳۵۲). *دایی جان ناپلئون*. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی*. تبریز: کتابفروشی تهران.
- دایی‌جواد، رضا (۱۳۴۴). *دستور زبان فارسی و راهنمای تجزیه و ترکیب*. اصفهان: مشعل.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۴۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). *دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید*. تهران: سخن.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی کسمائی. تهران: نشر مرکز.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- Abraham, W (ed.). (1991). *Discourse Particles. Descriptive and Theoretical Investigations on the Logical, Syntactic and Pragmatic Properties of Discourse Particles in German. (Pragmatics & Beyond New Series 12)*. Amsterdam: Benjamins.
- Altmann, H. (1987). "Zur Problematik der Konstitution von Satzmodi als Formtypen". *Satzmodus zwischen Grammatik und Pragmatik: Referate anlässlich der 8. Jahrestagung der Deutschen Gesellschaft für Sprachwissenschaft*. J. Meibauer (Ed.), Heidelberg 1986, Tübingen: Niemeyer, 22–56.

- Altmann, H. (1993) "Satzmodus". *Syntax. Ein internationales Handbuch zur zeitgenössischen Forschung*. J. Jacobs et al. (Eds.), Berlin: de Gruyter, 1006–1029.
- Brinton, L.J. (1996). *Pragmatic Markers in English. Grammaticalization and Discourse Functions*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Bühler, K. (1965) [1934]. *Sprachtheorie: Die Darstellungsfunktion der Sprache*. Stuttgart: Gustav Fischer.
- Brown, P. B., & S.C. Levinson. (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chomsky, N. (1955), *The Logical Structure of Linguistic Theory*, New York: Plenum, 1975.
- Diewald, D. (1999). *Die Modalverben im Deutschen. Grammatikalisierung und Polyfunktionalität*. Tübingen: Niemeyer (Reihe Germanistische Linguistik 208).
- Halliday, M.A.K. (1985). *An introduction to functional grammar*, 1st edn. London: Arnold.
- Halliday, M.A.K. (1961). Categories of the theory of grammar. *Word* 17(3). 242–292.
- Harnish, R.M. (1994). Mood, meaning and speech acts. In S.L. Tsohatzidis (Ed.), *Foundations of Speech Act Theory: Philosophical and Linguistic Perspectives* (pp. 407–459). London: Routledge.
- Katz, J. J. and M. P. Postal. (1964). *An integrated theory of linguistic descriptions*. Cambridge: MIT Press.
- Labov, W. & D. Fanshel (1977). *Therapeutic discourse*. New York: Academic Press.
- Lakoff, G. & M. Johnson (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books.
- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar, vol. 1: Theoretical prerequisites*. Stanford: Stanford University Press.
- Langacker, R. W. (1990). *Concept, Image, and Symbol: The Cognitive Basis of Grammar*. Cognitive Linguistics Research 1. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Lees, R. B. (1964). "On passives and imperatives". *Gengo Kenkyu*, 46: 28–41.
- Lees, R. B. & E.S. Klima. (1964). "Rules for English pronominalization". *Language*, 39: 17–28.

- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Liedtke, F. (1998). *Grammatik der Illokution: Über Sprechhandlungen und ihre Realisierungsformen im Deutschen*. Tübingen: Narr.
- Mangasser-Wahl, M. (Ed.). (2000). *Prototypentheorie in der Linguistik: Anwendungsbeispiele Methodenreflexion Perspektiven*. Tübingen: Stauffenburg.
- Panther, K.-U. and L. L. Thornburg. (1998). A cognitive approach to inferencing in conversation. *Journal of Pragmatics* 30: 755–769.
- Panther, K.-U. & L. Thornburg. (2005). Motivation and convention in some speech act constructions: A cognitive-linguistic approach. In S. Marmaridou, K. Nikiforidou, & E. Antonopoulou (Eds.), *Reviewing Linguistic Thought: Converging Trends for the 21st Century* (Trends in Linguistics: Studies and Monographs, 161) (pp. 53–76). Berlin/New York: Mouton de Gruyter
- Rosch, E. (1977). "Natural Categories". *Cognitive Psychology*, Vol. 4:3, 328-350.
- Rosch, E. (1977). "Human Categorization," in *Studies in Cross-Cultural Psychology*, Vol. 1, 1-49, ed. N. Warren, London: Academic Press.
- Rosch, E. (1978). Principles of categorization. In E. Rosch and B. B. Lloyd, eds. *Cognition and categorization*, 27–47.
- Sadock, J. M. & A. M. Zwicky. (1985). Speech act distinctions in syntax. In T. Shopen, ed. *Language typology and syntactic description: Clause structure*, 155–196 (Chapter 3). Cambridge: Cambridge University Press.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse Markers*. (Studies in Interactional Sociolinguistics 5). Cambridge: Cambridge University Press.
- Smith, E. E., & Medin, D. L. (1981). *Categories and concepts*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Schlobinski, P. (1992). *Funktionale Grammatik und Sprachbeschreibung: Eine Untersuchung zum gesprochenen Deutsch sowie zum Chinesischen*. Opladen: Westdeutscher Verlag.

- Takahashi, H. (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of English Imperative, with Special Reference to Japanese Imperative*. John Benjamin Publishing Company.
- Talmy, L. (1981). Force dynamics. Paper presented at the Conference on Language and Mental Imagery, University of California at Berkeley, May 1981.
- Talmy, L. (1985). Force dynamics in language and thought. *Chicago Linguistic Society* 21, vol. 2 (parasession): 293–337.
- Talmy, L. (1988). “Force dynamics in language and cognition,” *Cognitive Science* 12, 49-100.
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*. Vols. I & II. Cambridge: MIT Press.
- Taylor, J. R. (1995). *Linguistic categorization: Prototypes in linguistic theory*. Oxford: Oxford University Press.
- Taylor, J. R. (2005). *Linguistic categorisation*. Oxford: Oxford University Press.
- Thornburg, L. & K.-U. Panther. (1997). Speech act metonymies. In W.-A. Liebert, G. Redeker & L. Waugh (Eds.), *Discourse and Perspectives in Cognitive Linguistics (Current Issues in Linguistic Theory, 151)* (pp. 205–219). Amsterdam/Philadelphia: Benjamins.
- Traugott, E. (1995). “The Role of the Development of Discourse Markers in a Theory of Grammaticalization”. *International Conference on Historical Linguistics XII, Manchester*.
- Vanderveken, D. (1990a). *Meaning and Speech Acts I, Vol. 1: Principles of Language Use*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vanderveken, D. (1990b). *Meaning and Speech Acts II, Vol. 2: Formal Semantics of Success and Satisfaction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Waltereit, R. (2002). “Imperatives, interruption in conversation, and the rise of discourse markers: A study in Italian guarda”. *Linguistics* 40-50. 987-1010.